

نشست علمی-کارشناسی

عامل کرد در قفقاز، با تأکید بر تحولات سده اخیر

نشست علمی - کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
(دانشگاه تهران)
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

۲۶ تیر ۱۴۰۰

گزارش کامل

وبینار با حضور



پروفسور گارنیک آساطوریان

رئیس انستیتوی شرق‌شناسی
دانشگاه روسی - ارمنی (اسلاونی) ایروان



گزارش کامل^۱

نشست علمی - کارشناسی «عامل کرد در قفقاز، با تاکید بر تحولات سده اخیر» در روز شنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۰ از سوی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) به صورت وینار برگزار شد. در این نشست پروفیسور گارنیک آساطوریان رئیس انستیتوی شرق‌شناسی دانشگاه دولتی روسی - ارمنی (اسلاونی) ایروان به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. مدیر این نشست دکتر الهه کولایی بودند.

در این نشست که نود و نهمین نشست علمی - کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی بود، دکتر کولایی با معرفی پروفیسور آساطوریان و اشاره به آثار علمی و پژوهشی ایشان در زمینه‌های مختلف، از ایشان دعوت کردند به طرح دیدگاه‌هایشان درباره موضوع عامل کرد در قفقاز به ویژه در قرن اخیر بپردازند.

پروفیسور آساطوریان سخنرانی خود را این‌گونه آغاز کردند: به‌طور معمول، وقتی از کردها در قفقاز سخن می‌گویند به «کردستان سرخ» اشاره می‌کنند که از اساس درست نیست. تا امروز از چند کردستان نام برده می‌شد: کردستان ترکیه، کردستان ایران، کردستان عراق و کردستان سوریه و همین‌طور، کردستان قفقاز که در دهه‌های اخیر مطرح شده و امری برساخته است. ایشان گفتند: اینکه کردستان قفقاز کجاست و چه مساحتی را در بر می‌گیرد؛ کسی نمی‌داند. برخی تصور می‌کنند «کردستان قفقاز» به مرکز لاجین وجود داشته است و اطراف آنرا دربرمی‌گیرد. در برخی منابع ادعا

^۱ این گزارش از نوار صوتی سخنران محترم در نشست «عامل کرد در قفقاز، با تاکید بر تحولات سده اخیر» استخراج شده است.

شده کردها از زمان شدادیان از قرن‌های دهم و یازدهم میلادی به این منطقه راه یافتند. البته این نمی‌تواند درست باشد، چرا که در آن دوره هنوز «پنداره کرد» تبلور پیدا نکرده بود. به‌طور کلی در مورد کردها، نمی‌توان پیش از قرن نوزدهم به‌صورت نظام‌مند حرفی به‌میان آورد.

ایشان گفتند: سیاست دوره صفویه با جابه‌جا کردن اقوام ایرانی از مناطق مختلف با هدف رشد اقتصادی و همچنین اهداف نظامی و امنیتی صورت گرفت. یکی از نمونه‌های بارز آن در سال ۱۶۰۳ و کوچ آرامنه از قفقاز به جلفای اصفهان بود. کوچ بزرگی که در مورد کردها انجام شد، از سال ۱۵۹۹ تا ۱۶۰۴ رخ داد که کنفدراسیون بزرگ چَمَشْکَرک (در جنوب منطقه وان) که بیشتر آنها کرمانج زبان بودند از این سال به سمت خراسان کوچ کرد و نزدیک ۱/۵ سال هم در قزوین ساکن شدند.

ما می‌دانیم که کردهای ترکیه و عراق و بخشی از سوریه را به‌نام «کُرمَنج» می‌شناسند. عنوان «کرمانج» باید به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. در کردی واژه‌های زیادی از ارمنی وجود دارد. در لهجه کرمانجی خراسان بسیاری از واژه‌های ارمنی را پیدا کرده‌ام که بسیار رایج است. برای تعیین هویت و خاستگاه نژادی کردی مطالعه کردها یا کرمانجی‌های خراسان جالب توجه است. چند سال پیش برای شرکت در کنفرانسی به گیلان رفته بودم. در طول مسیری، معلوم شد که راننده کرمانج اهل خراسان است. او گفت که پدرش خود را کرمانج می‌داند و به روشنی کرد نمی‌داند. این اشاره از این منظر که دست کم تا نسل پیشین در خودآگاهی هویتی کرمانج‌ها، آنها خود را نه کرد، که کرمانج می‌دانسته‌اند، جالب توجه بود.

دکتر آساطوریان در ادامه گفتند: وجود کردها در قفقاز از پشتوانه کهن تاریخی برخوردار نیست. در واقع عنصر کرد در این منطقه، از اواخر قرن نوزدهم میلادی است که به‌طور نظام‌مند دیده می‌شود. در اوایل قرن

نوزدهم، گروهی از کردهای شیعه در حدود ششصد خانوار به سرکردگی محمد صفی سلطان به این نواحی رفتند. در سال ۱۸۸۶ کردها، ۴/۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند. کردها در سراسر قرن نوزدهم به‌طور نامنظم به منطقه‌ای که اکنون جمهوری آذربایجان است روی آوردند و حتی در اولین دولت جمهوری دموکرات آذربایجان در سال ۱۹۱۸ نماینده داشتند و در کابینه دولت مساواتی به ریاست محمدامین رسولزاده دو وزیر کرد، از جمله وزیر دفاع حضور داشتند.

ایشان با اشاره به اینکه کردهای قفقاز بیشتر شیعه بودند و از همین‌رو به سرعت در جمعیت شیعه قفقاز جذب شدند و در واقع از ۱۹۱۸ با تأسیس جمهوری آذربایجان، بخش مهم شیعیان قفقاز در چارچوب مرزهای این کشور قرار گرفتند.

ایشان در مورد برساخته کردستان سرخ گفتند: پایه و اساس موضوع‌های مربوط به کردها در قفقاز، مفهوم کردستان سرخ است. برخی گمان می‌کنند کردستان سرخ یک جمهوری خودمختار بوده است که در آن کردها جمعیت زیادی داشتند و در دوره اتحاد شوروی، این منطقه از بین رفت. از نظر مردم‌شناسی تا حدی این موضوع درست است؛ اما در کل صحت ندارد در واقع «کردستان سرخ» یک ساخت شیخ‌مانند بود.

وقتی از کردها در این منطقه صحبت می‌کنیم باید بدانیم به‌طور دقیق از چه حرف می‌زنیم. تعداد کمی از کردها در حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر در نواحی نه‌چندان دور از ایروان در دوره قبل از شروع مناقشه قره‌باغ زندگی می‌کردند و به دلیل همسایگی با نواحی ترک‌زبان اطراف زبان کردی را از یاد برده و به ترکی صحبت می‌کردند و فقط هویت خود را «کرد» می‌دانستند. سرانجام در سال ۱۹۳۰ آنچه به عنوان کردستان سرخ مطرح شده بود در چارچوب نظام شوروی از میان رفت و در سالهای بعدی بیشتر کردهای

این ناحیه به قزاقستان و بقیه کشورهای آسیای مرکزی تبعید شدند. در واقع هیچ ساخت کردی در منطقه‌ای که چند صباحی نام کردستان سرخ به آن داده شد وجود نداشت و فقط یک کالج تربیت معلم ساخته بودند که در آن زبان رسمی ترکی بود و یک روزنامه به نام کردستان سرخ که تا سال ۱۹۶۰ وجود داشت و به زبان ترکی چاپ می‌شد.

ایشان یزیدی‌های قفقاز را از کردها جدا دانستند و یادآور شدند که ایده گردآوردن قوم‌های مختلف مانند زازاها و کرمانج‌ها و مانند آن زیر چتر یک مفهوم قومی پوشاننده به نام «کرد» مورد تأیید ایشان نیست. دکتر آساطوریان اشاره کردند این دیدگاه را در کتاب «کردها و خاستگاه آنها؛ روشن‌شناسی مطالعات کردی» تشریح کرده‌اند.

ایشان درباره بررسی زیربنای سیاسی کردستان سرخ گفتند: دولت شوروی در نظر داشت عنصر «کردها» را در منطقه فعال کند تا بتواند از آن علیه ترکیه استفاده کند. به این دلیل این ساخت را ایجاد کردند تا الگویی باشد برای کردهای ترکیه تا علیه دولت خود ادعاهایشان را مطرح کنند، اما چون این عنصر نتوانست نقش خود را به درستی ایفا کند، در دهه ۱۹۳۰ لغو و از میان رفت ولی در خاطره فعالان سیاسی و مردم کرد اثری از خود به جا گذاشت.

در ادامه ایشان گفتند: در گفتمان سیاسی کرد، در رابطه با جنگ قره‌باغ این نظر هم طرح شده است که در جریان جنگ اول قره‌باغ کردها به‌عنوان صاحبان لاجین به ارامنه کمک کردند که آن منطقه را از تسلط جمهوری آذربایجان خارج سازند، اما ارمنستان برای تشکیل این منطقه خودمختار به کردها کمکی نکرد و به جای اینکه از کردها حمایت کنند تا جمهوری خود را تشکیل دهند آنها را راند و کردها مجبور شدند به نقاط دیگر پناهنده شوند. البته این داستان هم بر ساخته است و چنین چیزی صحت ندارد. این

نکته را اضافه کنم که در سال ۱۹۸۸ من در آن منطقه بوده‌ام و در آنجا فقط هشت خانواده کرد حضور داشتند که تنها دو زن کهنسال می‌توانستند به کردی صحبت کنند و به‌طور کلی در آن منطقه کردی وجود نداشت. در زمان شوروی در شناسنامه‌ها قومیت نوشته می‌شد و یکی از فعالان سیاسی کردها شخصی به نام شمیل عسگرف بود که برای زنده کردن هویت قوم خود تلاش‌های بسیاری کرد و در زمان پروسترویکا توانست در نهایت ده هزار شناسنامه را در قفقاز با هویت کردی ثبت کند.

یکی دیگر از افسانه‌ها این است که در ارمنستان هجده هزار «کرد» بود و آنها را ارمنستان بیرون کرد؛ که یک دروغ محض است. در آخرین آمار اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹ در ارمنستان پنجاه و چهار هزار یزیدی و فقط هزار کرد ترک‌زبان ثبت شدند. درست است که کردها در جمهوری آذربایجان هضم شدند، ولی تاثیر زیادی در شکل‌گیری بافت نژادی این کشور داشتند. از آنجا که آنان مردمان با قریحه‌ای بودند، به جایگاه بالایی در فرهنگ و علم و نظامی‌گری دست یافتند. از جمله خاندان علی‌اف که ادعا شده ریشه‌های کردی دارند.

ایشان در پایان گفتند: یک مسئله در جمهوری آذربایجان سلفی‌ها هستند که به صورت سلول‌های خاموش هستند و بعضی آنها را وهابی می‌نامند. مسئله سنی کردن جامعه جمهوری آذربایجان پدیده‌ای در حال پیشروی است. در پایان نشست شرکت کنندگان به طرح نقطه‌نظرها یا پرسش‌های خود پرداختند.

ایشان در پاسخ به پرسش یکی از شرکت‌کنندگان در مورد جابه‌جا کردن کردها از سال ۱۵۹۹ تا سال ۱۶۰۴ و زمان‌بندی جابه‌جایی این جمعیت در ایران گفتند: مسیر این جابه‌جایی چندان مشخص نیست. ظاهراً تعدادی از

این مردم در مسیر کوچ در نزدیکی قزوین ساکن شدند. این مسئله معما گونه است و جای بررسی و مطالعه بسیاری دارد.

یکی از شرکت‌کنندگان پرسید: در گرجستان و ارمنستان در مقایسه با جمهوری آذربایجان تنوع قومی کمتر است، در جمهوری آذربایجان گروه‌های قومی آذربایجانی‌ها، تالش‌ها، تات‌ها، لزگی‌ها، تاتارها و یهودی‌ها و... وجود دارند و بیگمان یکی از مسایل حکومت این کشور، مسئله قومی است، در این بین آیا می‌توان گفت که در نوع دسترسی‌ها به قدرت در جمهوری آذربایجان عامل «کرد» تهدید محسوب می‌شود؟ ایشان گفتند: در اصل عامل کرد در جمهوری آذربایجان وجود ندارد، که ترسی به دنبال داشته باشد. عامل کرد بیشتر جنبه ثانویه دارد و نقش و تاثیری بر مناسبات ندارد و اتفاقاً کردتبارها در قدرت در جمهوری آذربایجان نقش اساسی دارند و کرد نظیر تالش یا لزگی مسئله نیست.

یکی از حاضران پرسید: در این پارادوکس که پنجاه هزار نفر یزیدی‌ها که به زبان کُردی صحبت می‌کنند، خودشان را کُرد نمی‌دانند، آیا متاثر از فشارهای آسیمیلاسیون کردها توسط دولت ارمنستان در چند دهه اخیر نیست؟ درست شبیه همین رفتار را ترکیه درباره کردهای زازا داشته و هنوز دارند. این یک رفتار نظام‌مند آشنا برای کردها است. پروفیسور آساطوریان گفتند: زازاها کرد نیستند. هویتی که یزیدی‌ها دارند، ثابت است. هیچ دولتی نمی‌تواند بر آن تاثیر بگذارد و خودشان را هیچ‌وقت «کرد» به‌شمار نیاوردند. نسل‌کشی سال ۲۰۱۴ یزیدی‌ها در سنگال نه با شرکت مستقیم، که با حضور غیرمستقیم کردها انجام شد.^۲

^۲ احتمالاً اشاره دکتر آساطوریان به عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگ است که بعد از آن داعش بر یزیدی‌های سنگال دست یافت. «پس از عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگ کرد از شمال غرب عراق، حدود ۴۰ هزار ایزدی ساکن شهرهای کردنشین سنگال (سنجار) و زمار در اطراف موصل، پس از فرار تلاش کردند که خود را به اقلیم کردستان عراق برسانند. شمار زیادی از این افراد که از خانواده‌های کرد ایزدی (یزیدی) بودند، پس از فرار از دست داعش به کوه‌های اطراف پناه بردند. سازمان ملل متحد از آواره شدن ۲۰۰ هزار نفر در این منطقه خبر داد و گفت که بسیاری از بی‌جاشدگان پیروان آیین ایزدی هستند». گفتنی است که پارلمان دولت خودمختار کردستان عراق در اربیل، در

در پاسخ به پرسش دیگری که: آیا تاثیری از عامل کردها در قفقاز وجود ندارد؟ هیچ اثرگذاری سیاسی هم در این منطقه نخواهند داشت؟ پروفسور آساطوریان گفتند: عامل کرد در حال حاضر، تاثیری بر منطقه ندارد هرچند به این معنا نیست که در آینده هم به همین صورت بی تاثیر باشد.

در پایان این نشست، دکتر کولایی از حضور پروفسور آساطوریان تقدیر و تشکر کردند.

پایان

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

info@irsa.org.ir

تارنما:

irsa.org.ir

تهیه گزارش: سمیه بابازاده

Iranian Regional Studies Association

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: irsa.org.ir

Email: info@irsa.org.ir

Tel No: +982166419704